

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد      بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم      از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: عثمان حیدری

۲۱ نومبر ۲۰۱۴

## پاکستان ، منبع تروریسم است یا قربانی آن ؟



© Flickr.com/Shahzeb Younas /cc-by-nc

روز سه شنبه ، دانشکده اقتصاد و صلح لندن " شاخص جهانی تروریسم -۲۰۱۳" را منتشر کرد. جایگاه سوم بر اساس تعداد عملیات های تروریستی را پاکستان دارد، عراق و افغانستان پیش رو هستند.

در ارتباط با این موضوع سؤالی مطرح می شود : آیا پاکستان کشوری است که تهدیدات تروریسم بین المللی از آن بروز می کند، همانطور که برخی از کارشناسان تأکید کردند و یا خود این کشور قربانی این پدیده خطرناک در جهان امروز است؟

باریس والخونسکی ، کارشناس دانشکده تحقیقات ستراتژیک می گوید:

اگر به رئیس جمهور امریکا بارک اوباما اطمینان کنیم ، تنها گروهک تروریستی که کم و بیش تهدیدی برای امنیت بشریت است در حال حاضر " داعش" است و حتی این تهدید در مقایسه با عواقب بیماری واگیردار ابولا و یا سیاست روسیه در ارتباط با اوکراین بسیار ناچیز شمرده می شود.

در عین حال به نظر می رسد که تحقیقات دانشکده اقتصاد و صلح لندن با بیانات رئیس جمهور امریکا مطابقت ندارد. بر اساس این اطلاعات تهدید تروریسم بیشتر شده است: در سال ۲۰۱۳ در جهان ۱۰ هزار انفجار صورت گرفته ، در نتیجه آنها ۱۸ هزار نفر کشته شده اند که ۶۰ درصد بیشتر از سال ۲۰۱۲ است.

جایگاه غم انگیز سوم از آن پاکستان است که تنها عراق و افغانستان از آن پیشی گرفته اند. اکنون این پرسش مطرح می شود: این رقم ها نشان دهنده چیست؟ بدان معناست که تعداد بیشتر انفجارها در این کشورها رخ می دهد، کشورهایی که منابع تروریسم بین المللی هستند، یا از این مطالب چیز دیگری برداشت می گردد؟

**باریس والخوانسکی** ادامه می دهد: به سه پیش رو و جایگاه پنجم که از آن سوریه است می نگریم. همه این کشورها در سال های اخیر نه تنها محل توجه از جانب امریکا بودند بلکه به عنوان اهداف عملیات های تهاجمی مستقیم محسوب می شدند: مداخله در عراق و افغانستان، حمایت آشکار از شبه نظامیانی که علیه دولت **بشار اسد** در سوریه می جنگیدند و سرانجام نقض مدام تمامیت ارضی پاکستان توسط پهپادها و کماندوهای امریکانیست.

همه این ها دائماً به عنوان " مبارزه ضد تروریستی" در واشنگتن معرفی می شود. پس چرا نتیجه این مبارزه مستقیماً با اهداف بیان شده تناقض دارد و تنها یک نتیجه روشن و بارز از آن به دست می آید. برای همین بارک اوباما نخواست تروریسم بین المللی را در بین تهدیدات اصلی بشریت بنامد برای آن که بیشترین سهم از گناه تروریسم در سال های اخیر بردوش دولت امریکا سنگینی می کند.

و این سؤال بروز می کند: چه باید کرد؟ در واقع مبارزه مشترک با تروریسم، توجه ویژه ای را در جریان سفر رئیس جمهور جدید افغانستان **اشرف غنی** به اسلام آباد به خود اختصاص داده بود. با توجه به تمام این مسائل، در کابل سرانجام فهمیدند که امیدی نیست به این که غربی ها، امنیت را پس از خروج ارتش اصلی نیروهای بین المللی تضمین خواهند کرد. بنابراین نقش برجسته فاکتور منطقه ئی برای حل مشکل افغانستان پس از سال ۲۰۱۴ مطرح است. دیدار **اشرف غنی** از پاکستان، سومین سفر خارجی وی پس از رسیدن به مقام ریاست جمهوری بود. تا این زمان وی به عربستان سعودی و چین رفته بود. و اگر دو کشور اول در پیش چشمان افغانستان پیش از همه اهداءکنندگان مالی، شرکای اقتصادی و سرمایه گذاران بالقوه به نظر می آیند، پاکستان آن کشور است که نفوذ سیاسی و نظامی زیادی در افغانستان دارد.

بدیهی است که مبارزه علیه تروریسم موجود در این دو کشور نمی تواند در افغانستان به صورت جداگانه و در پاکستان جداگانه بررسی شود. و برای همین **اشرف غنی** به رهبر پاکستان قول داد که در مبارزه علیه جنبش طالبان پاکستان (تحریک طالبان پاکستان) کمک کند، با توجه به این که پاکستان در عوض از تأثیر خود برای محدود کردن طالبان افغانستان استفاده نماید.

بنابراین فاکتور تهدید خارجی باقی می ماند: نظامیان امریکانی در سال ۲۰۱۴ از افغانستان خارج می شوند، در این کشور حداقل ۱۰ هزار سرباز امریکائی و ۵ هزار سرباز از کشورهای متحد امریکا باقی می مانند و چه کسی می داند، آیا ایالات متحده آن مدل عملیاتی را که در عراق و سوریه تجربه کرده است به کار می گیرد، عملیات هایی که به پدیدار شدن و رشد نفوذ " داعش" منجر گردید؟

### افزوده:

آنچه در مورد پاکستان بیشتر از هر چیزی صدق می نماید، همان ضرب المثل معروف مردم افغانستان «چاه کن در چاه است» می باشد. این که امروز پاکستان خود به بستر تهاجمات تروریستی مبتل شده و می خواهد خود را به مثابه قربانی پدیده تروریسم معرفی ندارد، نباید ما را به چنان کجراهی هدایت نماید که نویسنده این مطلب آگاهانه (بدر نظر داشت ایجاد رابطه معاملاتی بزرگ تسلیحاتی بین روسیه و پاکستان) بدان طی طریق نموده است و یا هم نا آگاهانه بدان روان شده است، چه:

۱- پاکستان از تاریخ ایجاد آن کشور تا به امروز چه در ارتباط با هند و چه هم به صورت برجسته تر طی ۴ دهه اخیر در ارتباط با افغانستان، مهد پرورش تروریسم اسلامی و تربیت جنایتکاران معروفی از سنخ **گلبدين تيزاب پاش، احمد شاه مسعود** قاتل مردم افشار و صد ها جنایتکار خرد و بزرگ دیگر بوده و می باشد. حال اگر فعالیت های تروریستی در آن کشور نیز شیوع یافته است، باید بپذیرد که تمام آنچه فعلاً در پاکستان اتفاق می افتد، در واقع **درو کشت** خود پاکستان است نه چیز دیگری.

۲- امریکای جنایتکار در تمام این روند، حیثیت هدایت دهنده، مربی، تمویل کننده و حامی چنین جنایاتی را دارا بوده است. در واقع طبقه حاکمه پاکستان و بازوی اجرائی آنها در وجود اردوی آن کشور و استخبارات نظامی آن، در تمام این مدت به مثابه مدیران مدرسه پرورش تروریسم عمل نموده اند.

۳- آنچه در پاکستان اتفاق می افتد با آنچه در سایر کشور ها، از اساس می تواند با هم در تخالف و مغایرت قرار داشته باشند، چه در حالی که در افغانستان و عراق و برخی از کشور های دیگر فعالیت های تروریستی، جنگ قدرتیست که بین امپریالیسم و نوکرانش در جریان است و هیچ یک از طرفین منافع مردمان آن کشور ها را نمایندگی نمی کند، در پاکستان پایه و اساس ناآرامی هائی که به جنگ مسلحانه و در نهایت به عملیات های انتحاری انجامید، سیاست تجاوزکارانه و ضد انسانی اشرافیت پنجابی- سندی است علیه خلقهای آن کشور به خصوص ملیت پشتون و جنبش استقلال طلبانه و آزادیخواهانه آن.

در نتیجه خلاف فتوای نوکر و جاسوس انگلیس **مولانا فضل الرحمان** با صراحت و شفافیت کامل گفته می توانیم که جنگ در پاکستان بر مبنای پایه و اساس استقلال طلبانه و آزادیخواهانه آن به هیچ وجه تروریسم نمی باشد. بلکه تلاش یک ملیت تحت ستم است برای احقاق حقوق حقه خودش و قادر شدن به تعیین سرنوشتش. حال در این میان وقتی اینجا و آنجا، سایه سیاه حرکات مذهبی و ترور های کور آن به چشم می خورد، به هیچ صورت نباید باعث گردد تا ما را از پشتیبانی خلق پشتون در رسیدن به حقوق ملی و انسانی شان، باز بدارد.

۴- آتشی را که دیروز امپریالیسم امریکا در پاکستان برافروخت تا بدان وسیله کشور ما را به نابودی بکشاند و اینک دود آن آتش و خروج به جای مانده از آن چشم پاکستان را کور نموده و پای حرکتش را سوزانده حتا موجودیتش را زیر سؤال می برد، امروز نیز به شکل دیگری مگر با همان ماهیت در ترکیه در جریان است. یعنی به همان سانی که نظام **ضیاءالحق** به مثابه یک نوکر بیمقدار، مکتب پرورش تروریست ها را در پاکستان به وجود آورد و اینک دود آن چشم خود آنها را کور می نماید، **اردوغان** نیز بدون آن که حد اقل از سرنوشت پاکستان پند گرفته و روند وقایع در آن کشور درسی باشد برایش، جهت حفظ منافع حزبی و خانوادگی خودش چهار اسپه در مسیری ره می پیماید که قبلاً به وسیله **ضیاءالحق** پیموده شده و نتایج آن اینک موجودیت پاکستان را زیر سؤال برده است.

با در نظر داشت تمهیدات امپریالیستی و نقشه های دراز مدت آنها، مقدمات کار، سیاست های ضد ملی و ضد انسانی باند **اردوغان** و آسیب پذیری کشور ترکیه، دیری نخواهد پائید که آن کشور نیز به مانند پاکستان در مجمر آتش فروزان جنگهای عادلانه سوختن را تجربه نماید.

اداره پورتال AA-AA